

پناهیان: در مهمانی خدا دنبال چه چیزهایی باشیم؟

«مایی که پس از هر غفلت و معصیتی، اولین ضربه‌ای که می‌خوریم این است که فکر می‌کنیم از نظر خدا افتاده ایم و او دیگر ما را دوست ندارد و به ما نگاه نمی‌کند؛ و کسی هم نمی‌تواند به سادگی ما را متقاعد کند که همیشه خدا نگران ماست و ما را دوست دارد و ما او را هنوز از دست نداده‌ایم، شاید فضای مهمانی بتواند باور ما را نسبت به مهربانی خدا بهتر کند و امید ما را به بهتر شدن بیشتر نماید.»

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت الاسلام پناهیان که انتشارات «بیان معنوی» چاپ هشتم آن را روانه بازار نشر کرده است، حاوی نکات و نگاهی نو و کاربردی برای بهره‌برداری بهتر از ماه مبارک رمضان است که با بیانی ساده و روان به رشته تحریر درآمده است. به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان با برگزیده‌ای از این کتاب به استقبال روزها و شب‌های قشنگ ماه مبارک رمضان می‌رویم. بخش پنجم از این گزیده‌ها را در ادامه می‌خوانید:

پذیرایی‌های رمضان، از زبان پیامبر اکرم (ص)

حالا بیایید با تکیه به نگاهی که به مهمانی داریم، ادراک و احساس خود را درباره رمضان مرور کنیم. در خطبه شعبانیه که پیامبر اکرم (ص) رمضان را معرفی فرمودند، پس از توصیف ماه رمضان به «ضیافت»، پذیرایی‌ها را به این شرح بیان می‌فرمایند: «وَجِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ؛ در این ضیافت خدا شما را اهل کرامت قرار داده است.» (۱) یعنی شما را بسی گرامی می‌دارد به حدی که «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَتُومَمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَدَعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ؛ در این ماه نفس‌های شما تسبیح و خواب شما عبادت به حساب می‌آید و اعمالتان مقبول و دعایتان مستجاب است.» (۲) کدام پذیرایی از این بالاتر قابل تصور است؟ البته معلوم است که پذیرایی‌های خدا در این ضیافت، اموری است از جنس معنویت و با هدف ضیافت بسیار در تناسب می‌باشد.

گمانه‌زنی‌های معنوی پیرامون مهمانی رمضان

نمی‌خواهم همه آنچه را که درباره مهمانی گفته شد، اینجا تکرار کنم. تطبیق وجوه تشابه مهمانی با رمضان به عهده شما. ولی می‌خواهم در ادامه آنچه گفته شد، به بسط اندیشه بپردازیم و بساط احساس را میدان دهیم تا در جریان تأمل در باب این ضیافت عزیز، تداعی‌ها و گمانه‌زنی‌های معنوی، دل و دیده ما را بیشتر نورانی کند.

۱. شاید یک فرصت آشنایی برای غریبه‌ها

رمضان شاید یک فرصت آشنایی است، برای ما غریبه‌هایی که از عالم حضور و تقرب دوریم و با احوال آشنایان و عاشقان بیگانه. پس اگر در ضیافت، آشنایی حاصل نشد بهتر است خود را معطل نکنیم و شغل دیگری غیر از آدم شدن اختیار نکنیم. وقتی در خانه‌ایم به خدمت صاحب‌خانه نمی‌رسیم، می‌خواهید در خیابان از شرم حضورش به او خدمت کنیم؟

شاید رمضان برای ما که با او آشنایی داریم، محلی باشد که خدا خواسته است به واسطه این ضیافت، خود را به او نزدیک‌تر بباییم. مایی که پس از هر غفلت و معصیتی، اولین ضربه‌ای که می‌خوریم این است که فکر می‌کنیم از نظر خدا افتاده‌ایم و او دیگر ما را دوست ندارد و به ما نگاه نمی‌کند؛ و کسی هم نمی‌تواند به سادگی ما را متقاعد کند که همیشه خدا نگران ماست و ما را دوست دارد و ما او را هنوز از دست نداده‌ایم، شاید فضای مهمانی بتواند باور ما را نسبت به مهربانی خدا بهتر کند و امید ما را به بهتر شدن بیشتر نماید.

ما که با هر گناه، اولین بلایی که سر خود می‌آوریم این است که خود را از رحمت خدا «مأیوس» می‌کنیم، و راه بازگشت را به روی خود می‌بندیم. در ضیافت، بدون کسب لیاقت هم می‌توانیم به یک پذیرایی خوب «امیدوار» باشیم و از اکرام خدا احساس گرامی بودن بکنیم، که همین مایه کسب بسیاری از فضائل خواهد بود و سرمایه بسی از فوائد خواهد شد.

۲. شاید بناست محترم شویم، تا خود را محرم احساس کنیم

شاید بناست در مهمانی محترم شویم، تا خود را کمی محرم احساس کنیم و معاصی را بر خود حرام سازیم و مانند حاجیان که در بدو ورود به خانه خدا احرام می‌بندند، محرم گردیم و از وصال خوبان محروم نمائیم. شاید می‌خواهد به ما بگوید که ما هم می‌توانیم محرم اسرار باشیم و مقرب دربار ربوبی گردیم. چون بسیاری اوقات ما چون خود را آدم حساب نمی‌کنیم، هر غلطی را مرتکب می‌شویم و چون خود را ناتوان می‌دانیم هیچ اقدامی نمی‌کنیم.

۳. برای اینکه احساس غریبی نکنیم

البته ضیافت برای این هم هست که ما احساس غریبی نکنیم و از صاحب‌خانه فرار نکنیم و کمی در کنار او قرار بباییم. خدا هرچه ایستاد و صبر کرد که ما در طول سال، خود به سمت او بباییم، نیامدیم؛ پس او خود ما را مهمان کرد که این انس ایجاد شود و وحشت زدایی تحقق پیدا کند، تا در آینده بلکه این خاطره خوش، ما را به سوی او بازگرداند و ما را برای تکرار یک تجربه شیرین به مراجعت بکشاند.

۴. شاید فرصتی است برای نمایش بخشندگی میزبان

احتمال هم دارد که میزبان می‌خواهد ظرفیت بخشندگی و بنده‌پروری خود را به نمایش بگذارد تا ما هم نشان بدهیم براننده بخشودگی و بندگی او هستیم. او می‌خواهد در سراسر بارگاه ربوبی، خدایی خود را به رخ بکشد، و از ما می‌خواهد پرستش و پرواز خود را به سوی بالا بلند مقام او به دیده ملائک بیاوریم. این نمایش، هم از جانب او دلرباست و هم از جانب ما زیبا. و رؤیت این زیبایی‌ها رزق و روزی اهل تقوا و دیانت است.

۵. آغاز یک آشنایی یا التیام درد عاشقی

و شاید هم مهمانی برای رفع غریبی و دلنگی ما باشد، که خدا خوب می‌داند در دوری از نیستان حضور او، نیک به تنگ آمده‌ایم و نینوایی در نی وجود ما برپا شده است. همچنان که مهمانی برای بعضی‌ها سبب آغاز درک و آشنایی است، برای بعضی‌ها هم سبب التیام درد عاشقی و دلدادگی است.

۶. فرصتی برای فاصله گرفتن از دیگران و درک تنهایی خود

شاید هم می‌خواهد کمی از دیگران فاصله بگیریم تا تنهایی خود را بازباییم و از آلودگی‌هایی که در جریان ارتباطها نصیمان شده است، کم نماییم. یعنی می‌خواهد با او انس بگیریم که علامت انس گرفتن با خدا فاصله گرفتن قلبی است از مردم. مگر امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «تَمَرَةُ الْأُنْسِ بِاللَّهِ إِسْتِيْحَاشُ مِنَ النَّاسِ؛ نتیجه انس با خدا، وحشت از (انس با) مردم است.» (۳)

۷. زمینه‌ای برای آشنایی با یکدیگر

احتمال هم دارد بخشی از ضیافت برای آشنایی ما با یکدیگر ترتیب داده شده باشد. ما آدم‌ها وقتی از هم بدجوری فاصله می‌گیریم؛ گویی از خودمان هم جدا می‌شویم. و وقتی دل‌هایمان به هم نزدیک‌تر می‌شود، گویا بیشتر به خود می‌آییم و بهتر به خدا می‌رسیم. با تکبرمان

نسبت به هم تواضعمان به خدا کم می‌شود و با مهربانیمان به یکدیگر خدا به ما مهربان‌تر می‌شود. در یک مهمانی وقتی مهمانان دور صاحب‌خانه جمع می‌شوند، در واقع گردهمایی می‌کنند و به هم نزدیک‌تر می‌شوند. البته این جلوت با آن خلوت مذکور در قبل تعارضی ندارند. سفارش‌های پیامبر اکرم (ص) دربارهٔ مهربانی مؤمنان یا یکدیگر در این مهمانی معنوی انسان را به تعجب وا می‌دارد. گویی این ضیافت جز یک آشتی‌کنان برای مهمانان چیز دیگری نیست؛ و تمام فلسفهٔ این مهمانی، همین مهربانی بوده است. می‌فرمودند:

«وَصَدَقُوا عَلَيَّ فُقَرَاءُكُمْ وَمَسَاكِينُكُمْ وَوَقَرُوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَاحْفَظُوا أَسْتَيْتَكُمْ وَغُضُّوا عَمَّا لَا يَجِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَ عَمَّا لَا يَجِلُّ السَّمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ وَ تَحَنَّنُوا عَلَيَّ أَيُّهَا النَّاسُ يُتَحَنَّنْ عَلَيَّ أَيُّهَاكُمْ.» (۴)

«به فقراء و مستمندانتان صدقه دهید. بزرگ‌ترهایتان را احترام کنید و به کودکانتان محبت بورزید. به خویشانتان نیکی کنید و زیادتان را حفظ نمایید و دیدگانتان را از آنچه نگریستن بر آن حلال نیست، ببوشانید و گوش‌هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست، باز دارید، و به ایتم دیگران محبت کنید تا به ایتم شما محبت کنند.»

«أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خَلَقَهُ كَأَنَّ لَهُ جَوَازاً عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ وَمَنْ كَفَّ فِي شَهْرِهِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ أَرْكَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَرْكَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَةً وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَةً قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ.» (۵)

«ای مردم هر که در این ماه خوی خود را نیکو گرداند، از صراط بگذرد در آن روز که قدم‌ها بر آن بلغزد، و هر که بر زبردستانش سبک گیرد، خداوند حساب او را آسان کند. و هر که شرّ خود را در این ماه از دیگران باز دارد، خداوند در روز قیامت غضبش را از او باز می‌دارد. و هر که یتیمی را گرامی دارد، خداوند در روز قیامت او را گرامی دارد. و هر که به خویشانش نیکی کند، خداوند در روز قیامت به او نیکی کند؛ و هر که از خویشانش منقطع شود، خداوند در قیامت رحمتش را از او قطع کند.»

حکمت پُر ثواب بودن افطاری به روزه‌داران

شاید یکی از حکمت‌های پرتواب بودن افطاری دادن به روزه‌داران، اشاره به همین فایدهٔ مهم این ضیافت باشد، که رسول اکرم (ص) فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ قَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ نَسَمَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ؛ ای مردم! کسی که مؤمن روزه‌داری را در این ماه افطاری دهد، برای او در نزد خدا اجر آزاد کردن یک بنده را خواهد داشت و گناهان گذشته‌اش هم بخشیده گردد.» (۶)

بعضی‌ها گفتند یا رسول‌الله ما توانایی مالی برای افطاری دادن نداریم و پاسخ پیامبر (ص) این بود که: «اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ.» (۷) یعنی حالا که چنین فرصت خوبی برایتان پدید آمده که می‌توانید آن‌همه گناه خود را با عمل ساده‌ای پاک نمایید پس «از آتش عذاب الهی اگرچه با یک دانه خرما یا یک ظرف آب افطاری فاصله بگیرید.»

البته نمی‌دانم گذشتن از یک دانه خرما برای افطاری دادن این‌قدر مهم و ارزشمند است - که طبیعی به نظر نمی‌رسد - یا خدا می‌خواهد میزان عزیز بودن روزه‌دار را اعلام کند که هرکس به صائم او افطار دهد، ولو هر قدر کم باشد و به او محبت کند، خدا در عوض، این‌همه از گناهان او را می‌آمرزد. دیگر خدا چگونه باید اعلام کند که من مهمان روزه‌دارم را دوست دارم و او را گرامی می‌دارم؟

۸. لحظاتی در کنار اولیای خدا ...

اما قوی‌ترین احتمال برای غرض اصلی این ضیافت و یا به تعبیر دیگر مهم‌ترین فایدهٔ این مهمانی آن است که ما با اولیاء خدا که خانه‌زادند و نمک پرورده، عبد خدایند و عزیز او، سفره‌داران ضیافت دربارند و ساقیان شرب طهور، مأموران به پذیرایی از مهمانان‌اند و مأنوسان با ذکر میزبان، لحظاتی را در کنار هم باشیم. و الا خدا که همیشه با ما هست و ما هم همیشه مهمان او هستیم.

گویا او خواسته است فاصلهٔ ما را با دوستان خاص خود کم کند، تا با نور ایشان راه یابیم و در حضور ایشان راه برویم. تا در وجود خویبان بر قلوب ما تجلی کند و در وجوه خوب‌رویان از ما دلبری نماید. تا با نشان دادن ولیّ خود، تمام مقصود خود را از هدایت ما و نزول قرآن بیان کند، و با نشانیدن ما در مکتب ولایت، نعمت خود را به اتمام رساند.

تا هم ما را به حبّ آنان امتحان کند و هم ایشان ما را به حبّ خدا مبتلا کنند. تا هم ما اسوه‌های گم کردهٔ خود را باز یابیم و هم آنان ما را در کنار خود بیابند که بتوانند ما را به لطف خود نوازش کنند. چون هر چقدر ما به آنان محتاج‌تریم، بیش از آن، آنان به ما مشتاق‌ترند.

اگر این سخن عین صواب نیست، پس چرا شب قدر این ضیافت، شب نزول به یکبارهٔ قرآن است؟ مگر آن‌همه کلام را به یکباره گفتن، مثل این نیست که خداوند با نشان دادن ولیّ خود به اهل عالم، به یکباره بخواهد بگوید آنچه می‌خواستم تماماً همین است؟ اگر این سخن به صواب نیست، چرا همهٔ امور و تقدیرات سالانهٔ بندگان، یعنی مهمانان، باید به اطلاع و امضاء ولیّ خدا برسند؟ و چرا امیرالمؤمنین خود فرمودند: «أَتَا صَلَوةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ صِيَامَهُمْ؛ من نماز مؤمنانم و روزهٔ ایشانم.» (۸) ؟

پاسخ این حرف‌های نگفتنی معلوم است. البته تحقیق بیشتر دربارهٔ این نکات را در مباحث مربوط به معارف ولایی جستجو و پیگیری نمایید و هم‌اکنون گفتگو را رها کرده، به خود مراجعه کنید و خود را امتحان کنید. به‌سادگی در می‌یابید که در ضیافت رمضان، خود را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نزدیک‌تر احساس می‌کنید و بیشتر علاقه‌مندید. پس در این مهمانی خود را ملازم ایشان قرار دهید و از کنار یادشان جایی نروید که ضرر خواهید کرد.

(۱) عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۸، ح ۵۳.

(۲) نشانی پیشین.

(۳) غررالحکم، ص ۱۹۹، فی عبادة الله، ح ۳۹۴۹.

(۴) عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۸، ح ۵۳.

(۵) نشانی پیشین.

(۶) نشانی پیشین.

(۷) نشانی پیشین. خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، اگرچه با نصف یک دانه خرما، اگرچه با جرعه‌ای آب.

(۸) تفسیر انوار العرفان، ج ۲ ص ۵۳۳، ذیل آیه ۱۱۵ از سورهٔ بقره.

